



دانشگاه باقر العلوم علیه السلام

دانشکده: فلسفه و کلام اسلامی

پایان نامه جهت اخذ درجه کارشناسی ارشد

رشته: فلسفه و کلام اسلامی

عنوان:

# بررسی فلسفی و کلامی

## آموزه نجات

استاد راهنما:

دکتر علیرضا قائمی نیا

استاد مشاور:

دکتر احمد واعظی

نگارش:

اعظم محمودآبادی

۱۳۸۷

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

## تقدیر و سپاس :

در این جا بر خود لازم می‌دانم از همه استادان و عزیزانی که در پیدایش این اثر بنده را یاری کردند تشکر کنم . به ویژه دو استاد ارجمند حجت الاسلام و المسلمین آقای دکتر علی رضا قائمی نیا و دکتر احمد واعظی (در مقام استاد راهنما و استاد مشاور) که این رساله، حاصل تلاش و هدایت‌های آن دو بزرگوار است .

هم چنین حجت الاسلام و المسلمین جناب آقای دکتر معلمی و دکتر گرجیان که داوری این اثر را پذیرفته اند .

در پایان از پدر و مادر عزیز و همسر بزرگوار و فرزندم نهایت سپاس را دارم که با سعه صدر مرا در مشکلات راهنمایی و یاری کردند .

از خداوند متعال برای همه این بزرگواران توفیق، سلامت و سعادت روز افزون خواستارم .

## تقدیم به:

مهدی موعود(عج) یگانه منجی بشریت که با ندای نجات بخش خود، به تمام رنج‌ها و  
آلام انسان‌ها پایان می‌دهد.

## چکیده

غزیزه خویشتن دوستی، انسان را وا می‌دارد تا برای آینده ورستگاری خود چاره ای بیندیشید . رسیدن به نجات و رهایی از رنج و عذاب، همواره محبوب و مطلوب آدمیان بوده است . بر همین اساس، انسان‌ها در طول تاریخ به دنبال شناخت ماهیت نجات و سعادت و راه‌های دستیابی به آن بوده‌اند که باعث شده نظرات گوناگونی در این زمینه مطرح شود و هر مذهب و مکتب فکری از شناخت این مهم، دم بزند . ادیان نیز چون دیگر مکاتب، ادعا می‌کنند که رهروان کیش خود را به رستگاری ابدی می‌رسانند .

آنچه در بررسی آراء مکاتب قابل اهمیت است، این که عقل بشری به تنهایی قادر به دستیابی به نجات نیست و نمی‌تواند عوامل نجات و موانع آن را شناسایی کند و انسان را به رستگاری برساند. مقوله نجات از سنخی نیست که عقل بشری بتواند به آن دست یابد و باید به دین تمسک کرد .

این نکته را می‌توان از بررسی نجات و سعادت در نگاه فیلسوفان بدست آورد، حتی فیلسوفان مسلمان هم چون ملاصدرا و ابن سینا نیز در تحلیل و تبیین کامل مسئله نجات ناتوان و عاجز هستند و اشکالات عدیده ای بر نظرات آنها وارد می‌شود .

بنابراین تمسک به دین و ایمان به خداوند، می‌تواند باعث رستگاری انسان شود .

فرقه‌های مهم کلامی چون اشاعره، معتزله، امامیه، نکاتی را در رابطه با ایمان و ارتباط آن با عمل بیان کرده که نظرات این فرقه‌ها قابل تامل است .

متکلمان شیعه با اعتقاد به این که عمل لازمه ایمان است، رابطه این دو را تعادل دو سویه می‌دانند و با توجه به آیه قرآن « والذین امنوا و عموا الصالحات طوبی لهم و حسن مآب » نشان می‌دهند که اعتقاد به امری به تنهایی و بدون التزام به لوازم و آثار آن، ایمان نیست .

نکته دیگر این که عوامل نجات با توجه به آیات قرآن، ترک کفر جحودی و اجتناب از فجور است یا به عبارت دیگر جهل مرکب عنادی می‌باشد. پس جهل قصوری موجب عذاب نیست و این نشان می‌دهد که انسان باید همیشه به دنبال دریافت حقایق باشد تا جایی که بر آن حجت تمام شود . اگر بر انسان‌ها اتمام حجت صورت نگیرد، آنان معذورند . به بیانی دیگر وقوع و بلکه استحقاق عقاب منوط به اتمام حجت است . پس طبق آیه « لا یكلف الله نفسا الا وسعها » چنانچه انسان در مسیر دستیابی به حقیقت دریغ نوزد و به حجتی دست نیابد، تکلیفی ندارد تا عقابی بر تکلیف مترتب گردد .

و کسانی که در استضعاف و فترت به سر می‌برند نیز، چنانچه روحیه عناد و سرکشی از حد عقل و فطرتشان نباشد، معذور هستند و نیز در مورد کثرت ادیان، قائل به انحصارگرایی و شمول‌گرایی نیست.

از آن جا که در بحث عوامل نجات، جستجوی حقیقت مهم است و با گذشت زمان، فاهمه آدمی برای دریافت کامل تری از حقیقت مهیا می‌گردد و تفاوت فاهمه انسان از یک سو و یکسان نبودن امکانات برای جستجوی حقیقت موجب شده که چیزی به نام حجت مطرح شود .

در واقع آن چه از چشم انداز دینی مهم است که هندسه نجات یعنی التزام به حجت نه التزام به حقیقت .

واژگان کلیدی: نجات، رستگاری، سعادت، فلاح، فوز و شقاوت

## فهرست مطالب

۱	فصل اول: کلیات.....
۲	گفتار اول: طرح پژوهشی تحقیق.....
۲	۱. بیان مسأله.....
۳	۲. اهمیت و فایده موضوع.....
۴	۳. اهداف پژوهش.....
۴	۴. پیشینه.....
۵	- سقراط.....
۶	- افلاطون.....
۷	- ارسطو.....
۹	۵. سؤال اصلی.....
۹	۶. سؤالات فرعی.....
۹	۷. فرضیه‌ها.....
۱۰	۸. پیشفرض‌ها.....
۱۰	۹. مفاهیم.....
۱۱	۱۰. سازماندهی تحقیق.....
۱۲	گفتار دوم: واژه‌شناسی.....
۱۲	۱- بررسی واژگان در لغت.....
۱۲	الف. نجات.....
۱۲	ب. رستگاری.....
۱۳	ج. فلاح.....

د . سعادت ..... ۱۳

هـ . فوز ..... ۱۴

و . شقاوت ..... ۱۵

۲- بررسی واژگان در قرآن ..... ۱۵

الف. نجات ..... ۱۶

ب. فلاح ..... ۱۷

ج. فوز ..... ۱۹

د. خلاص ..... ۲۰

**فصل دوم: بررسی فلسفی آموزه نجات** ..... ۲۳

**گفتار اول: بررسی نجات از دیدگاه ابن سینا** ..... ۲۴

۱. نفس و تجرد آن در فلسفه مشاء ..... ۲۵

۲. تجرد و حدوث نفس ..... ۲۷

۳. قوای نفس ..... ۲۸

الف. تجرد خیال و آثار آن ..... ۲۸

۴. نحوه ارتباط نفس با بدن ..... ۳۰

۵. حیات پس از مرگ ..... ۳۲

۶. سعادت و شقاوت ..... ۳۳

الف. معنای سعادت ..... ۳۳

۱. لذت ..... ۳۴

۲. اقسام لذت ..... ۳۶

ب. اقسام سعادت ..... ۳۸

ج. شقاوت و اقسام آن ..... ۳۸

۷. معاد روحانی و جسمانی ..... ۴۰

۸. نجات ..... ۴۳
- الف. اکثری بودن نجات..... ۴۵
- گفتار دوم: نجات از دیدگاه حکمت متعالیه ..... ۵۰
۱. مهم ترین پیش فرضهای انسان شناختی حکمت متعالیه ..... ۵۰
- الف. نفس ..... ۵۰
- ب. جوهریت نفس ..... ۵۱
- ج. تجرد نفس ..... ۵۱
- د. قوای نفس ..... ۵۱
- هـ. تجردخیال و وهم و نتایج آن ..... ۵۳
۱. تجردخیال و وهم ..... ۵۳
۲. مهمترین نتایج تجرد خیال ..... ۵۴
- و. نحوه حدوث و بقای نفس ..... ۵۵
- ز. نحوه ارتباط نفس و بدن ..... ۵۶
۲. مهم ترین پیش فرضهای هستی شناختی حکمت متعالیه ..... ۵۷
- الف. اصالة الوجود ..... ۵۷
- ب. تشخیص و تمیز هر چیز، به وجود اوست ..... ۵۷
- ج. تشکیک در وجود ..... ۵۸
- د. حرکت جوهری ..... ۵۸
- هـ. «وحدت» در اشیا به یک نحو نیست ..... ۵۹
- و. هویت و تشخیص بدن به نفس متکی است نه جرم آن ..... ۵۹
- ز. حصر عوالم در سه عالم ..... ۶۰
۳. حیات پس از مرگ در حکمت متعالیه ..... ۶۰
- الف. بقای نفس پس از مرگ ..... ۶۰



- ب . همراهی نفس با بدن، پس از مرگ ..... ۶۱
- ج. کیفیت شکل گیری بدن مثالی ..... ۶۱
- د . تبیین معاد جسمانی ..... ۶۲
۴. سعادت و شقاوت در حکمة متعالیه ..... ۶۳
- الف. سعادت در حکمت متعالیه ..... ۶۳
۱. معنای سعادت ..... ۶۳
- الف. چیستی لذت ..... ۶۸
- ب. اقسام لذت ..... ۶۸
۲. چیستی سعادت ..... ۷۰
۳. اقسام سعادت ..... ۷۰
۴. عوامل و موانع سعادت حقیقی ..... ۷۲
۱. ناقص بودن جوهر نفس و بالقوه بودن آن ..... ۷۳
۲. خبیث و ظللمانی گشتن گوهر نفس: ..... ۷۳
۳. روی گرداندن نفس از غرض اصلی و غایت مطلوب، ..... ۷۳
۴. وجود حجاب میان نفس و صورتهای عقلی ..... ۷۴
۵. جهل و نا آگاهی نسبت به راه و روشی که از آن طریق می-  
توان سعادت حقیقی را به چنگ آورد؛ ..... ۷۴
- ب. شقاوت در حکمت متعالیه ..... ۷۵
۱. شقاوت و اقسام آن ..... ۷۵
۲. عوامل شقاوت ..... ۷۶
- الف: علل شقاوت عقلی ..... ۷۷
- ب: علل شقاوت حسی ..... ۷۸
- ج. مراتب سُدءاء و اشقیاء ..... ۷۹
۵. نجات از دیدگاه صدرالمتألهین ..... ۸۲

الف. چستی نجات .....	۸۲
ب. عوامل و موانع نجات .....	۸۵
۱. شقاوت حسی .....	۸۷
۲. شقاوت عقلی .....	۸۷
الف. دستیابی به معرفت و رسیدن به حقیقت در باب حقایق و حقوق .....	۸۹
ب. پایبندی و التزام به حقیقت ( حقایقی که به آنها آگاهی یافته ایم) .....	۸۹
نتیجه گیری .....	۹۵
<b>فصل سوم: بررسی نجات از دیدگاه فرق کلامی</b> .....	۹۹
مقدمه .....	۱۰۰
<b>گفتار اول: خوارج</b> .....	۱۰۳
۱. ایمان از منظر خوارج .....	۱۰۳
<b>گفتار دوم: مرجئه</b> .....	۱۰۹
<b>گفتار سوم: معتزله</b> .....	۱۱۵
۱. مرتکب کبیره .....	۱۱۶
۲. المنزلة بین المنزلتین .....	۱۱۷
۳. وعد و وعید .....	۱۱۹
۴. عقل گرایی معتزله .....	۱۲۰
<b>گفتار چهارم: اشاعره</b> .....	۱۲۲
۱. فعل خداوند .....	۱۲۲
۲. حسن و قبح .....	۱۲۴
۳. افعال ارادی (نظریه کسب) .....	۱۲۶
۴. ایمان از دیدگاه اشاعره .....	۱۲۶
۵. افزایش و کاهش ایمان .....	۱۲۷

۱۲۹	گفتار پنجم: ماتریدیه
۱۳۱	۱. رابطه عمل و ایمان
۱۳۴	۲. مرتکب کبیره
۱۳۷	۳. متعلق ایمان
۱۳۸	۴. ایمان و اسلام
۱۴۱	گفتار ششم: شیعه
۱۴۱	۱. تعامل دو سویه‌ی ایمان و عمل
۱۴۲	۲. تشکیکی بودن حقیقت ایمان
۱۴۲	۳. ویژگی‌های معنایی ایمان
۱۴۳	الف. ایمان مبتنی بر معرفت است:
۱۴۳	ب. ایمان امری اکتسابی و اختیاری است:
۱۴۴	ج. ایمان دارای مؤلفه عاطفی است:
۱۴۵	د. ایمان مقتضی عمل است:
۱۴۶	هـ. ایمان فراتر از اسلام است:
۱۴۸	و. ایمان قابل زیادت و نقصان است:
۱۵۱	نتیجه‌گیری
۱۵۵	جمع بندی بحث با توجه به آیات قرآن و نظرات شیعه
۱۵۵	۱. عوامل نجات
۱۵۷	۲. نسبت حقیقت و نجات
۱۵۷	الف. اتمام حجت
۱۵۹	ب. استضعاف و دوران فترت
۱۶۱	ج. التزام به حجت
۱۶۴	فهرست منابع

فصل اول:

# کلیات

## گفتار اول: طرح پژوهشی تحقیق

### ۱. بیان مسأله

مسأله نجات از جمله مسائلی است که از دیرباز مورد توجه آدمیان بوده است. نجات، سعادت، رستگاری اهدافی است که انسان‌ها به دنبال آن‌ها بوده و هستند. انسان موجودی است که برای رسیدن به آمال و آرزوهای خود تلاش می‌کند و چون گاهی به دنبال چیزی است که به آن نمی‌رسد یا آن را نمی‌یابد، دچار رنج و ناراحتی می‌شود. این احساس عجز آدمیان در پایان دادن به رنج و دلهره‌های وجودی آن‌ها، باعث می‌شود که به هر زمزمه نجاتی گوش بسپارند. از طرف دیگر میل به جاودانگی و داشتن سعادت، تلاش انسان‌ها را برای رهایی و نجات افزون می‌سازد و از آنجا که همه فعالیت‌های انسان در این جهان بستگی به نوع نگرش او به حقیقت هستی دارد و این نگرش در نجات واقعی و سعادت انسان مؤثر است، پس انسان‌ها به ادیان و مکاتب مختلف دینی و فکری روی آورده‌اند تا با جهان‌بینی و ایدئولوژی برگرفته از آنها، راه نجات و سعادت را بیابند. ادیان نیز که پذیرش تعالیم خود را زمینه‌ساز رستگاری و فلاح معرفی کرده‌اند، مورد توجه انسان‌ها قرار دارند؛ در این میان، گاهی بین مطالب ادیان تناقضاتی وجود دارد که باعث ایجاد سؤالات اساسی می‌شود از جمله: حقیقت نجات و سعادت چیست؟ و آیا همه ادیان، ما را به سعادت رهنمون می‌کنند؟ و سؤالات بسیار دیگری که مجال مطرح کردن آنها نیست. فیلسوفان و متکلمان نیز برای دستیابی به حقیقت نجات، بحث‌های فراوانی در این حیطه داشته‌اند. ما در این تحقیق بر آن شدیم تا نظر فیلسوفان مسلمان و نظام فکری آنها که برگرفته از اسلام است، مورد بررسی و نقد قرار دهیم. همچنین نظر متکلمین اسلامی را در زمینه نیاز به ایمان برای رستگاری و همراهی یا عدم همراهی آن با

عمل، جويا شويم. باشد که در این راه موفق باشيم.

## ۲. اهمیت و فایده موضوع

مسئله فلاح و رستگاری و نائل شدن به حیاتی طیبه، سعادت‌مند و جاودان و نیز نجات از هر گونه درد و رنج و فنا و نابودی، نه تنها یکی از دغدغه‌های مهم، بلکه از امور فطری بشر در طول تاریخ حیات وی بوده است.

هبوط در این دنیای فانی و پر از آفت و شرور و مشاهده انواع آلام و رنجهای دنیای مادی و فکر رهایی از یک وضعیت نامطلوب و یافتن راهی برای پاسخ به نیازهای روحی و معنوی و ناتوانی و عجز علم و تکنولوژی در برآورده کردن این نیازها از یک سو و سؤالات اساسی بشر درباره مفهوم نهایی حیات، رابطه انسان با خدا به عنوان سرچشمه حیات و اصل تمام کمالات متعالی و سؤالات اساسی دیگر درباره هدف و غایت زندگی و چگونگی کسب حیات طیبه و جاودان و رسیدن به رستگاری حقیقی از سوی دیگر، موجب شد اندیشه نجات برای ابنای بشر روز به روز اهمیت فوق‌العاده‌ای پیدا کند.

به هر حال، انسان که موجودی است طالب کمال مطلق و همواره در پی رسیدن به کمال مطلوب و رستگاری ابدی و فرار از فنا و نابودی، دست از تلاش و کوشش برنداشته و فطرتاً ضرورت مسئله نجات و فلاح را در زندگی دنیوی و اخروی دریافته است. تمام تلاش انسان و از جمله برگزیدن دینی خاص، گرایش به مذهب و مکتبی ویژه، پایبندی به اخلاق و یا گوشه‌نشینی و عزلت، گواه صادقی بر علاقه و عطش او به یک زندگی جاودان و سعادت‌مند، همراه با رستگاری ابدی است.

مسئله نجات را از جهات گوناگون می‌توان بررسی کرد؛ از منظر اول، دین و متون دینی، که ادیان متفاوت، تصویر واحدی از آن ارائه نمی‌کنند.

منظر دوم، نگاه تجربی است که ناگفته پیداست که تجربه یارای پرداختن بدان را ندارد. منظر سوم، نگرش عقلی و فلسفی است. از آن جا که امروزه مکاتب فلسفی بسیاری به این موضوع پرداخته و نظریاتی را مطرح کرده‌اند که عمل به آن‌ها ممکن است انسان را به

ورطه نابودی بکشاند، بر آن شدم که این موضوع مهم را مورد بررسی و تحقیق قرار بدهم و آن را از منظر مکاتب فلسفی اسلامی مورد بحث قرار دهم. تا دیدگاه این مکاتب فلسفی و شخصیت‌هایی چون بوعلی سینا و ملاصدرا را جویا شویم و در پایان، نظر متکلمین و اسلام را بدانیم.

### ۳. اهداف پژوهش

۱. توضیح حقیقت سعادت و نجات از منظر حکیمان اسلامی (به خصوص ملاصدرا).
۲. بیان سعادت از دیدگاه متکلمان و مکاتب کلامی.
۳. ارائه دیدگاه اسلام در مورد نجات.

### ۴. پیشینه

بحث نجات و رستگاری به آغاز خلقت انسان برمی‌گردد. از زمانی که انسان پا به این کره خاکی گذاشت تا امروز همیشه در رنج و سختی بوده است. از طرفی میل به جاودانگی و خلود در همه انسان‌ها (در تمام دوره‌های تمدن) وجود داشته است.<sup>۱</sup> همین امر باعث شده که انسان‌ها برای رهایی از رنج‌ها و رسیدن به جاودانگی در فکر نجات و رستگاری باشند. همه فعالیت‌های انسان در این جهان و اهداف و کامیابی‌هایی که برای خود در نظر می‌گیرد، همه از نوع تصور او درباره حقیقت جهان هستی که خود نیز جزئی از آن است، نشات می‌گیرد. از این رو، انسان‌هایی که پیدایش جهان هستی را اتفاقی می‌پندارند و برای آن آفریدگاری نمی‌شناسند و وجود انسانی خود را در همین جسم مادی که وجود و بقای آن در میان ولادت و مرگ محصور است - می‌دانند، روش زندگی و قوانین و مقررات آن را به گونه‌ای تنظیم می‌کنند که تنها پاسخ نیازمندی‌های چند روزه زندگی را می‌دهد و فقط به سوی کامیابی مادی محدود راهنمایی کند.

---

۱. برای مطالعه اعتقاد به جاودانگی رجوع کنید به: اکبری، جاودانگی، ص ۲۳ تا ص ۴۸.

کسانی که برای جهان و جهانیان، خدایی یگانه، دانا و توانا قایلند و زندگی آدمی را به این جهان محدود نمی‌دانند، روش زندگی خود را به گونه‌ای تنظیم می‌کنند که در همه حال، سعادت و کامیابی هر دو جهان را تامین کند و رستگاری جاودانه را به ارمغان آورد.<sup>۱</sup>

فیلسوفان نیز چون مدعی شناخت حقیقت هستی هستند و داشتن نظام فلسفی در تفکر انسان نقش مهمی دارد، آن‌ها نیز به بحث و بررسی نجات و سعادت پرداخته‌اند. فیلسوفان یونانی همچون ارسطو و افلاطون و سقراط در کتب خود، سعادت و نجات را مطرح کرده‌اند. در ادیان نیز این موضوع مورد بحث بوده که دین اسلام نیز در آیات و روایات بسیاری به این موضوع پرداخته است و با ورود فلسفه به نظام فکری مسلمین، فیلسوفان مسلمان به بیان این مسأله بر مبنای اسلام پرداختند.

در ادامه نظرات فیلسوفان یونانی را در باب سعادت به اختصار بیان و نظرات فلاسفه مسلمان را در ادامه تحقیق مطرح می‌کنیم.<sup>۲</sup>

#### - سقراط

نکته‌ای که در مورد سقراط باید مورد توجه قرار بگیرد آن که «سقراط، تالیفی نداشته و اطلاع بر عقاید او صرفاً از راه نوشته‌های شاگردانش میسر می‌باشد. منبع عمده در این زمینه تالیفات افلاطون است. اما مشکل این است که به سختی می‌توان تشخیص داد که افلاطون تا چه اندازه می‌خواهد سقراط واقعی را تصویر کند و تا چه اندازه شخصی را که در مکالمات خود به نام سقراط می‌خواند به عنوان گوینده عقاید خویش به کار می‌برد»<sup>۳</sup>

کما این که «کاپلستون» نیز در این مورد می‌گوید «افلاطون نظریات خاص خود را به

---

۱. محمد حسین طباطبایی، شیعه در اسلام، ص ۱۶ و ۱۷.

۲. برای مطالعه نظرات فیلسوفان قبل از سقراط رجوع کنید به: کاپلستون فردریک، تاریخ فلسفه، ترجمه سید جلال‌الدین مجتوبی، ج ۱، ص ۴۷.

۳. برتراند راسل، تاریخ فلسفه غرب، ترجمه نجف دریابندری، ج ۱، ص ۱۴۰.



دهان استاد - که سخت مورد احترامش بود - گذاشته است<sup>۱</sup> بر این اساس، باید «مجموعه آثار افلاطون» را مجموعه افکار و آراء خود وی تلقی شود. لذا سخن از سقراط به میان نمی‌آوریم.

### - افلاطون

افلاطون به دو عالم قایل است: عالم محسوسات و عالم معقولات یا مجردات. آن چه در عالم محسوس واقع است در قید زمان و مکان و در بند کثرت، فساد، زوال، نقص و گرفتار است برعکس، هر چه در عالم معقول و مجرد موجود است ازلی و ابدی است، بی زمان و بی مکان است، واحد ثابت و کامل است. در زبان افلاطون این جهان به نام «عالم مثل»، «عالم صور» خوانده می‌شود.

از سوی دیگر، افلاطون معتقد است که روح آدمی، ازلی و ابدی است و بنابراین قبل از این که انسان چشم بر جهان بگشاید وجود داشته است. مسکن روح، قبل از این که به بدن تعلق یابد، همان عالم «مثل» بوده است. روح آدمی در اثر تماس دائم با «مثل» به همه چیز علم کامل دارد. اما همین که پا به دنیا می‌گذارد، همه معارف خود را فراموش می‌کند آن گاه توسط آلات حسی و تن، با محسوسات این جهان آشنا می‌شود و خاطرات فراموش کرده خود را بازمی‌یابد. پس انسان در این جهان، هیچ چیزی نمی‌آموزد و فقط آموخته‌های خود را به یاد می‌آورد در نتیجه ما چیزی به نام «علم» نداریم.

هم چنین افلاطون معتقد است که معرفت، بلافاصله به عمل رهنمون است؛ برای کار نیک کردن همین بس که آدمی نیکی را بشناسد. پس به عقیده افلاطون، شناختن خوبی، نه فقط شرط لازم انجام کار خوب است بلکه شرط کافی آن نیز می‌باشد. در نتیجه سعادت یعنی شناخت حقایق و ما برای آن که زندگی سعادت‌مندان‌ه‌ای داشته باشیم باید نسبت به حقایق و واقعیات، معرفت حاصل کنیم.<sup>۲</sup>

---

۱. فردریک کاپلستون، تاریخ فلسفه، ترجمه سید جلال‌الدین مجتوبی، ج ۱، ص ۱۴۷.

۲. موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره)، فلسفه اخلاق، ص ۸۵ تا ۸۹؛ حائری تهرانی؛ مهدی؛ شخصیت

## - ارسطو

از میان طرفداران مکتب «سعادت طلبی» ارسطو آرای منظم تری دارد. به نظر ارسطو «سعادت» خواست فطری همه انسان‌هاست، یعنی همه مردم سعی در تحصیل «سعادت» می‌کنند و هیچ کسی نیست که خود را نخواهد و نیز کسی قادر نیست که «سعادت طلبی» را در خود از میان ببرد. هر چیز دیگری را نیز که انسان بخواهد، از قبیل لذت و ثروت و علم، برای وصول به «سعادت» می‌خواهد. همه چیز را برای سعادت می‌خواهیم اما سعادت را برای چیز دیگری نمی‌خواهیم. سعادت خود مطلوب ماست. در نظر ارسطو سعادت «مطلوب للذات» است.

به نظر او، سعادت، پاداشی نیست که در عالم پس از مرگ به نیکوکاران داده می‌شود، بلکه توأم است با عمل نیک و فضیلت مندانه، و در نتیجه در همین حیات محقق می‌شود. ارسطو کسی را که پس از سپری کردن عمر خود به «سعادت» واصل شد نیکبخت نمی‌داند. و در خلال همین زندگی است که همراه با اندیشه، گفتار و کردار فضیلت مندانه، سعادت حاصل می‌شود.

ارسطو در پاسخ به این پرسش که بر چه اساسی از سعادت برخوردار شویم، نظریه معروف خود «اعتدال طلایی» را مطرح می‌کند.

به عقیده ارسطو، هر یک از افعال و انفعالات ما ممکن است در یکی از دو جانب افراط و تفریط جای داشته باشد، که در این حالت رذیلت است و مذموم و در صورتی که در حد وسط میان افراط و تفریط باشد، فضیلت خواهد بود. مثلاً نسبت به حالت ترس و بی‌باکی، یک فضیلت به نام شجاعت و دو رذیلت به نام جبن و تهور وجود دارد. به همین ترتیب عزت نفس، حد وسط خودخواهی و خاکساری است.<sup>۱</sup>

﴿

انسان از نظر قرآن و عترت، ص ۱۲۶، دایرة المعارف تشیع، ج ۹، چ اول - ص ۱۵۵.

۱. فلسفه اخلاق، ص ۹۱-۹۳؛ ویل دورانت، تاریخ فلسفه، ترجمه عباس زریاب خوئی، ص ۷۳-۷۴.

ارسطو مال و منال و دوستی را برای سعادت لازم می‌داند. اما با این همه، اصل و جوهر سعادت در خود انسان است و آن دانش کامل و صفای روح است. لذا یذحسی مسلماً راه خوشبختی نیست. سیاست نیز راه سعادت نیست بلکه سعادت، لذت عقلانی است و ما می-توانیم این لذت را هنگام درک حقایق دریابیم. این لذت، لذتی مستقل است یعنی به جز خود به چیز دیگری برای درک لذت نیازمند نیست. مثل سایر لذات خستگی پذیر نمی‌باشد. این صفات مخصوص و منحصر در لذت عقلانی است. کمال سعادت و خوشبختی نیز در آن است.<sup>۱</sup>

در جهان اسلام نیز، اندیشمندان اسلامی به طور مستقل درباره آموزه نجات به پژوهش نپرداخته‌اند؛ ولی در ضمن کتاب‌های کلامی و تفسیری و فلسفی خود مطالب ارزشمندی در این باره بیان کرده‌اند برای مثال علامه طباطبایی در تفسیر المیزان و مرحوم طبرسی در مجمع البیان ضمن بحث‌های ایمان، شفاعت، دوزخ به این بحث پرداخته‌اند. در کتاب‌های فلسفی نیز بحث از این مباحث به صورت مفصل آمده است. ابن سینا در الاشارات، النجاة، کتاب النفس و ملاصدرا در شواهد، تفسیر القرآن الکریم، حکمة متعالیه، مبداء و معاد و همچنین سهروردی در آثار خود به این مطلب پرداخته‌اند.

این مبحث در کتاب‌های کلامی نیز در ضمن مباحث ایمان، عمل صالح، کفر، مسأله خلود در آتش، مطرح شده است. مثل مناہج الیقین فی اصول الدین از علامه حلی، مجموعه آثار از مرتضی مطهری و گوهر مراد از لاهیجی و مقالات الاسلامین از اشعری.

پژوهش‌هایی که در این زمینه صورت گرفته بیشتر ناظر به بحث نجات در ادیان گوناگون است که می‌توان به آثار گوناگون در این زمینه در مسیحیت اشاره کرد که اثر نجات شناختی چالز هورن گواه بر این مطلب است و نیز این بحث، گاهی در ضمن بحث پلورالیسم مطرح شده است.

---

۱. ویل دورانت؛ همان؛ ص ۷۷.

در زمینه نجات، کتاب نجات ادیان و فاهمه بشری از آقای ابراهیم نوشته شده است که به بحث فلسفی نجات پرداخته است اما بحث کلامی و رابطه عمل و ایمان در آن مطرح نشده است.

هم چنین کتاب نجات از دیدگاه علامه و مقایسه آن با مسیحیت از آقای مصطفی آزادیان که به بحث نجات در مسیحیت و دیدگاه علامه پرداخته است. ولی با این وجود در این زمینه پژوهشی جامع و کامل که مباحث کلامی و فلسفی نجات را بیان کرده باشد صورت نگرفته است.

### **۵. سؤال اصلی**

حقیقت نجات و رستگاری چیست؟ و راه‌های دستیابی به آن کدام است؟

### **۶. سؤالات فرعی**

۱. سعادت چیست و با تحقق چه اسباب و شرایطی فراهم می‌آید؟
۲. آیا نجات امری دست‌یافتنی است؟
۳. آیا رستگاری منوط به دین خاصی مثل اسلام است؟
۴. آیا ایمان شرط کافی برای نجات است یا باید همراه با عمل باشد؟

### **۷. فرضیه‌ها**

۱. دین در راهیابی آدمی به رستگاری و نجات نقش دارد.
۲. در هر دینی تصویر خاصی از نجات وجود دارد.
۳. نجات تنها از راه معرفت حاصل نمی‌شود و عمل هم باید در کنار آن باشد.

### **۸. پیش‌فرض‌ها**

۱. دین اسلام دین آسمانی است.
۲. اسلام دین کامل است و پیامبر اکرم(ص)، آخرین پیامبر و خاتم پیامبران است. پس